

رهبر و براندازان

جناب رهبر در تاریخ 1379/12/9 در سخنرانی در دانشگاه امیر کبیر گفتند: ” هر حرکت و تلاشی که به نیت براندازی انجام گیرد ، شروع به محاربه است و حکم محاربه هم در اسلام مشخص است “

در تاریخ 1379/12/22 اولین گروه 20 نفره از نیرو های ملی و مذهبی در آستانه سفر آقای خاتمی به روسیه ، و دومین گروه متشکل از 40 نفر از فعالین ملی و مذهبی در تهران و شهرستانها در تاریخ 1380/1/18 به جرم ” اقدام در جهت براندازی “ دستگیر شدند.

در طول مدت حدود دو سال، دستگاه قضایی بطرق مختلف و بصورت علنی با استفاده از همه امکانات تبلیغاتی صدا و سیما و روزنامه های خاص تا خطبه های نماز جمعه، این گروه را به براندازی متهم کردند و پس از مدتها زندان انفرادی و در سالی که بنام عدالت علوی نامگذاری شده بود این گروه ، حتی حق دفاع علنی از خود را هم پیدا نکردند.

اینک پس از قریب به دو سال اتهام زدن های مختلف، زندان های انفرادی و محاکمات غیر علنی ، آقای مبشری رییس دادگاه انقلاب تهران ، اعلام می دارد که نهضت آزادی برانداز نیست.

حال باید سؤال کرد که آیا میتوان به دستگاهی که بر احتی اتهام خلاف واقع وارد می کند و مطالب کذب منتشر می کند، نام ”دادگستری“ گذاشت؟ آیا این دستگاه صالح برای رسیدگی به پرونده های سیاسی هست؟ آیا دستگاهی که در مدت دو سال ، **تنها برای اثبات ادعای رهبری** ، بر احتی اتهام براندازی وارد می کند، می تواند ادعای استقلال قضایی نماید؟ آیا نباید تمام کسانی که در این پرونده ها و نیز سایر محاکمات سیاسی اقدام به اتهام های خلاف واقع و نشر اکاذیب نموده اند و با آبرو و حیثیت آدمیان و نیز منافع يك ملت اینچنین برخورد می کنند ، به دادگاه های صالح سپرده شوند تا به سزای ظلم های آشکار خود برسند؟

آقای شاهرودی اگر مخروبه ای را تحویل گرفتند، اینک باید گفت با صد بار ویران کردن آن مخروبه ، ویرانه ای را باید تحویل دهند تا شاید زمانی با اصلاح ساختاری آن و نیز با تصفیه کسانی که در طول این مدت، تنها مامورین ابلاغ احکامی بیش نبوده اند، این دستگاه نشانی از عدالت ، پیدا کند.

جناب رهبری ، باید پاسخگو باشند که چرا بر احتی اتهام براندازی وارد کردند و سپس قضاوت کرده و حکم صادر کرده است که ” این به معنای شروع به محاربه است و حکم محاربه (اعدام) هم در اسلام مشخص است “ ؟

البته اگر جناب ایشان ، حتی فرمان صدور حمله را هم صادر نکرده بود، رضایت ایشان بر احکام دستگاه قضایی و نیز یشتیبانی مکرر ایشان از این دستگاه که در حقیقت یشتیبانی از این احکام است، هیچ چیز از مسئولیت ایشان کم نمی کرد.

تجربه همه حوادث سیاسی در مقابل جبهه اصلاحات نشان داده است که همیشه، در اجرای سناریوهای تنظیم شده در ستاد فرماندهی جبهه ضد اصلاحات، ابتدا توسط روزنامه کیهان آتش تهیه ریخته می شود ، سپس فرمان شروع عملیات، توسط رهبر صادر می گردد و نهایتاً دستگاه قضایی عملیات را به اجرا در می آورد ، که نمونه واضح آن توقیف فله ای مطبوعات بود.

ذکر این نکته خالی از فایده نیست که اتهام ” بر اندازی قانونی “، خود اعترافی بر آن است که آقایان اقلیت حاکم ، می دانند که مردم آنان را قبول ندارند و اگر يك صحنه قانونی چون رفتارندوم برگزار گردد ، آنان بازندگان آن رفتارندوم هستند و بر احتی بر انداخته می شوند. اینان نشان داده اند که به آرای مردم که در انتخابات های مختلف و در طول دوره اصلاحات به روش های مدنی اعلام کرده اند ، هیچ وقعی نمی نهند و اگر از مردم سخن می گویند تنها منظورشان همان نیروهایی هستند که خنجر و چاقو و بوکس و زنجیر بدست می گیرند و در مجامع دانشجویی و سیاسی حضور پیدا می کنند و به ضرب و جرح مردم اقدام می کنند و با تلفن های موبایلی که بدست دارند اوامر آمران خود را فرا می گیرند و با ”هندي کم“ هایی که بدست دارند به شناسایی مردم می پردازند تا پس از آن به بازداشت آنان بپردازند.و البته در پایان موجب ” نوب شدن خود در ولایت “ را دریافت می دارند. اگر اکنون مجبور می شوند که در آراء ملی و مذهبی ها عقب نشینی کنند تنها پس از فشار های بین المللی است که به آنان وارد شده است و آنان برای حفظ قدرت خود ، مجبور به تمکین در مقابل آن شده اند. اصلاح طلبان باید به هوش باشند تا منافع ملت ایران، در مذاکرات قدرت طلبان حاکم در مقابل نیروهای خارجی، ضایع نگردد.

ح- امیری